

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۳۰۵/۰۰۹ رده بندی کنفرانس: ۵۰۲۳/۲

راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم

شبیم سلطانی

چکیده

پیشگیری از وقوع جرم به عنوان جدیدترین رویکرد جرم شناختی و موثرترین راه مبارزه با جرم، امروزه جایگاه بس ارزشمندی در سیاست جنایی کشورها به خود اختصاص داده است. این جایگاه بلند در اثر ناکامی آموزه های کیفری و حتی دیدگاه های جرم شناختی علت شناسی و سایر تئوری های جرم شناختی و شناخت ماهیت بزهکاری و عوامل موثر بر آن و در نتیجه کنترل بزهکاری بوده است. اندیشه پیشگیری از جرم نه تنها در دیدگاههای کلاسیک و نئوکلاسیک حقوق کیفری، بلکه در نظام های سنتی حقوق کیفری نیز مطرح بوده است. ترس از رنج و عذاب ناشی از کیفر، نه تنها برای مرتکب جرم، بلکه برای دیگران نیز که اندیشه های مجرمانه در سر می پروراند، یک عامل بازدارنده محسوب می شده است و به همین دلیل بوده است که همواره شدت مجازات با اهمیت جرم و خطراتی که به دنبال داشته است هماهنگ می گردیده است.

واژگان کلیدی: پیشگیری از ارتکاب جرم، مجرم، مجازات، جرم شناختی

بخش اول: توصیف جرم

توصیف جرم و تبیین قواعد مربوط به آن یکی از مؤلفه‌های آیین دادرسی کیفری توسعه یافته است که حکایت از عمق توجه واضعان قانون به حدود حقوق و آزادی اشخاص و متهمین دارد. متأسفانه قوانین ما در این رابطه صریح و روشن نیست و جای دارد مجاهدات‌های علمی لازم برای تشریح و تحلیل موضوع صورت پذیرفته تا به این ترتیب طریق تکامل آیین دادرسی کیفری هموارتر گردد. دادگرانی که عهده‌دار تنبیه تبهکاران و مجازات مجرمین هستند، قانون را معیار سنجش اعمال خوب و بد قرار می‌دهند و برآنند تا از میان انبوهی از اوامر و نواهی قانون گذار، مصدر حکمی گردند که عدالت برپا گردد و انصاف حاکم شود. وصول به این مقصود دشوار است و رهرویی می‌طلبد که مسلح به دو سلاح علم و عدل باشد. می‌توان با تکیه بر این سلاح، از حیرت و تردید، رهایی یافت و فرشته عدالت را خشنود ساخت. تلاش برای کشف واقعیت و وصول به حقیقت، بدون آگاهی از مبانی احکام و اصول حاکم بر تفسیر قوانین بی‌ثمر خواهد بود آنکه روابط پیچیده اشخاص و فنون جدیدی که برای ارتکاب جرم مورد استفاده قرار می‌گیرد، بینش مضاعفی را می‌طلبد و نیاز به غور و تأمل را دوچندان می‌سازد. آن کس که پای بر عرصه نقض قانون می‌نهد، گاهی مرتکب عمل واحدی می‌شود که واجد عنوان واحد کیفری است و گاهی دیگر عمل واحدی است که می‌توان نام‌های متفاوتی بر آن نهاد و مرتکب آن را مجرم چند وجهی نامید و البته در برخی موارد نیز مجموعه‌ای از اعمال مجرمانه عنوان واحدی به خود گرفته و جرم واحدی را تشکیل می‌دهند. در عمل، دادرسان کیفری، هنرمندانه واقعه را بر قاعده تطبیق داده و می‌کوشند لباس مجازات بر قامت برهنه فعل واقع شده بپوشانند و یا بر آزادی متهم مهر تأیید بزنند. لیکن این سخن باقی می‌ماند که متعاقب این انطباق، موضوع مشمول امر مختومه می‌گردد. آیا نمی‌توان تحت عنوان دیگری،

مرتکب همان عمل را تحت تعقیب و مجازات قرار داد؟ آیا دادرسان در توصیف جرم، چون حاکمان مختارند؟ آیا برای شکات و قضات تحقیق، نقشی در نظر گرفته شده است؟ و دیگر اینکه، طبع جرایم عمومی و خصوصی تا چه حد بر این موضوع اثر نهاده است؟ بی‌تردید زوایای تاریکی وجود دارد که باید با چراغ عقل و عدل آن را روشن ساخت. با تبیین عقاید متفاوت می‌توان طریقی را برگزید که ضامن حفظ عدالت و تأمین حقوق فردی و اجتماعی باشد.

بند اول: تعاریف و مبانی موضوع توصیف جرم

جرم‌شناسی یک عمل، وسیله‌ای برای حفظ ارزش‌های انحصاری جامعه است. آنگاه که سایر ضمانت اجراها، همچون ضمانت اجرای اخلاقی و مدنی، از حفظ یک ارزش ناتوان ماندند از قوی‌ترین ضمانت اجرای موجود یعنی ضمانت اجرای کیفری استمداد می‌شود. به این ترتیب، جرم عملی است که سبب نقض ارزش‌های اجتماعی گردیده است و وقوع آن موجب بی‌نظمی در جامعه می‌گردد. بنابراین باید بین مطلوب‌ها و خواست‌های مردم از یک سو و جرم شناختن اعمال از سوی دیگر، ارتباط وجود داشته باشد. شاید تصور شود با شناخت ارکان متشکله هر جرم، می‌توان آن را از سایر جرایم بازشناسی کرد، این اندیشه صواب سیره علمای حقوق و دادرسان محاکم در شناخت جرایم و مالا مجازات‌هاست. لیکن در برخی موارد قرابت عناوین مجرمانه به حدی است که مرزهای وحدت‌نظر را درهم می‌ریزد و باب مناقشه را می‌گشاید. در اینجا مسأله تشخیص عمل و مرجع آن مطرح می‌گردد. «توصیف جرم» فرآیندی است که در نتیجه آن عنوان واقعی عمل مجرمانه چند وجهی شناسایی می‌شود. مرجع شناخت آثار چنین شناسایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

صورت داده و با تعمق در قواعد و اصولی همچون «اعتبار امر مخومه» و «توصیف جرایم» میزان دخالت دادستان و شاکی را در تعیین عنوان مجرمانه و نوع عمل ارتكابی، تشخیص دهد و بر این پایه تصمیم‌گیری کند.

بند دوم: افعال مرتکب و توصیف جرم

رفتار مجرمانه، همواره از عمل واحد ممنوعه تشکیل نمی‌شود، برخی از جرایم، مجموعه‌ای از چند جرم مرتبط با یکدیگرند که اجتماع آنها جرم معینی را تشکیل می‌دهد. تحقق بزه «زنا» مستلزم برقراری «رابطه نامشروع» است که طبعاً بدون چنین تماس غیرقانونی، وقوع این جرم امکان‌پذیر نیست. بزه «قتل عمدی» غالباً با ورود صدمه جسمی ملازمه دارد، صدماتی که بدون حدوث قتل موجب تعلق «دیه یا ارش» است. بزه «سرقت تعزیری» از منازل مستلزم «ورود به عنف» به منزل دیگری است. در این گونه موارد، تعیین مجازات‌های متفاوت نادرست است زیرا انجام برخی از این جرایم، مقدمه ضروری جرم دیگر است به نحوی که بدون گذر از جرم اولی، نمی‌توان به جرم ثانوی دست یافت. البته چنین پیوستگی در برخی از جرایم کم‌رنگ‌تر است؛ بزهکاری که برای قاچاق آثار تاریخی مبادرت به تخریب و سرقت اثر تاریخی می‌کند، کلاهبرداری که برای بردن مال مردم اقدام به جعل سند می‌کند، مرتکب جرایم متعددی می‌شوند که برای هر یک مجازات مستقلی تعیین شده است. شاید گفته شود در این جرایم، قصد نهایی «قاچاق اشیای عتیقه» و «کلاهبرداری» بوده است و بر این مبنا، تعیین چند مجازات متفاوت موجه نیست. نباید فریفته چنین استدلالی شد، انگیزه و غایت انجام فعل، سبب اباحه اعمال ممنوعه نمی‌گردد، ضمن اینکه جرم اولیه، مقدمه ضروری جرایم ثانویه نمی‌باشد. بدی اعمال فردی که به منظور قاچاق اشیای عتیقه اقدام به تخریب و سرقت آثار تاریخی می‌کند، بدتر از

عمل فردی است که صرفاً عملیات قاچاق را انجام می‌دهد.

- علاوه بر این، استصحاب جرم سابق و ابقای حکم مجازات، مانع چشم‌پوشی از سزای اعمال مرتکب است.

ارتکاب فعل واحد که مشمول دو یا چند عنوان مجرمانه است، شکل دیگری از موضوع توصیف جرم است که در این حالت مرتکب تحت سیطره چند عنوان مجرمانه قرار می‌گیرد. آن کس که در تپه‌های باستانی به کند و کاو می‌پردازد و در اندیشه یافتن شیء عتیقه است از منظر قانون مشمول عناوین تجاوز به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی است.

نمی‌توان گفت چون مرتکب جرم، دو فرمان متفاوت قانونی را نقض کرده است سزاوار دو مجازات است؛ شاید گفته شود سیاست سرکوبگر جزایی و نفع اجتماع، اقتضای دو مجازات را دارد. چنین بنایی قابل پذیرش نیست، مرتکب بیش از یک فعل انجام نداده است و طبعاً در قبال فعل واحد، به مجازات واحد محکوم می‌شود. نوع خاصی از جرایم را موضوع حکم قرار داده است چنان که درخصوص سایر جرایم، حکم تعدد جرم، در حدود و قصاص و دیات همان است که در ابواب مربوطه ذکر شده است «اگرچه بنابر اصل عدم تداخل، در این گونه موارد قاعده جمع مجازات‌ها متبع و موجه است، لیکن در برخی موارد، تعیین مجازات واحد قابل دفاع است. زناکار محصنی که با محارم خود زنا می‌کند، مشمول دو عنوان متفاوت زنا با محارم و زنا محصنه است اما در این حالت، تعیین مجازات زنا با محارم (قتل) کفایت می‌کند.

بند سوم: نقش مدعی خصوصی در توصیف جرم

در دعاوی حقوقی، خواهان خواسته خود را معین می‌کند و دادرس نیز دادرسی را در محدوده معین شده ادامه می‌دهد. عدول از خواسته جایز نیست و این به آن معناست که

خواهان، در توصیف خواسته مقتدر است اما چنین اقتداری در دادرسی‌های جزایی راه ندارد.

آن کس که از وقوع جرمی مطلع می‌شود و به حکم وظیفه قانونی یا اجتماعی، دادستان را مطلع می‌کند (اعلام کننده جرم) در توصیف جرم نقشی ندارد، اما شاکی یا مدعی خصوصی، در توصیف جرم، از موقعیت برتری برخوردار است؛ او، کسی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده و یا حقی از قبیل قصاص پیدا کرده است و آن را مطالبه می‌کند. در این صورت، شاکی یا مدعی خصوصی، می‌تواند با ارایه دلایل و مدارک، دادستان را در تعقیب متهم یاری کند و حق حضور در جلسات تحقیق و محاکمات را داشته باشد. همچنین می‌تواند وکیل اختیار کرده، خواستار توقیف اموال متهم شده و به آرا و تصمیمات صادره اعتراض کند. گاهی نقش شاکی خصوصی آنقدر پررنگ می‌شود که عنوان «اتهام» از «نوع حق و موقعیت حقوقی» تبعیت می‌کند. به عنوان مثال، اگر مال امانی بدون اجازه مالک به فروش رود عنوان مجرمانه فروشنده و مجازات آن با توجه به اینکه شاکی چه کسی باشد متفاوت می‌شود. اگر شاکی خصوصی مالک مال امانی باشد، در این صورت عمل ارتكابی واجد دو عنوان خیانت در امانت و انتقال مال غیر است (انتقال مال غیر) تعیین می‌گردد. اما اگر شاکی خصوصی خریدار مال غیر باشد، از آنجا که از نظر ارتكاب خیانت در امانت، خریدار مالک یا ذینفع نیست فلذا عنوان شکایت شاکی صرفاً بزه انتقال مال غیر خواهد بود.

بخش دوم: در آمدی بر پیشگیری از وقوع جرم

۱- امنیت: امنیت سنگ زیرین حیات فردی و اجتماعی ملت‌ها و کشورها محسوب می‌

شود و در دنیای معاصر، برای کمتر مهمی همانند آن، اهتمام ورزیده، هزینه‌های گزاف

صرف می نمایند. بشر امروز به خوبی واقف است که این اصل، اساس همه تحول‌ها، خلاقیت‌ها و پیشرفت‌های همه‌جانبه و متوازن جامعه است و به میزان آسیب‌پذیری آن، زندگی اجتماعی نیز از بیماری، رخوت و جمود، رنج خواهد برد. بنابراین، هرچه که مخل امنیت و آسایش عمومی تلقی شود، وصف مجرمانه پیدا می‌کند. (ماده ۱۸۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲) نکته حائز اهمیت دیگر اینست که چون مطالعات جرم‌شناسی و طرق پیشگیری از وقوع جرم، مبتنی بر توسعه و تحقیقات بسیاری دیگر از علوم همانند جامعه‌شناسی، روانشناسی، روانپزشکی، زیست‌شناسی، تاریخ، اقتصاد، آمار و... می‌باشد، ضعف در حوزه هر کدام از آنها، به نوعی دامگیر پژوهش‌های جرم‌شناسی نیز خواهد بود.

۲- پیشگیری از وقوع جرم مستلزم شناخت خود «جرم» است، لذا باید اولین وظیفه، انجام تجزیه و تحلیل نظام مند جرم در جامعه باشد؛ چرا که جرم، نمایانگر نهادهای مشخصی است که البته می‌تواند راهنمای مهمی برای پیشگیری از وقوع آن در آینده باشد.

۳- از لوازم قطعی و ضروری اقدام به پیشگیری از وقوع جرم، اعتقاد داشتن به دو امر ذیل است:

- جرم و مقابله با آن، یک امر انتزاعی (مفهوم حقوقی محض) نبوده و با تغییر و تحولات گسترده و روزافزون جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد.

۴- قوانین یک جامعه اگر به جای پیروی از تجربیات زندگی تنها با اتکاء به منطقه ذهنی شکل بگیرد،^۱ چه بسا جامعه را با بحران «تورم جرم» مواجه سازد.

۱- ژرژ گوروچ، حقوق و جامعه‌شناسی، ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، ص ۱۰۰

براین اساس، اهتمام به این امر که «حقوق، ضرورتاً بر اندیشه جمعی بنا می‌شود»^۱، در واقع تضمین ضمانت اجرایی آن محسوب می‌شود چنانکه «لئون دوگی» در این باره می‌نویسد:

«قواعد حقوقی باید همچون آئینه، ارزشهای حقیقی جامعه را منعکس نمایند در غیر اینصورت، جز خاصیت «جرم زدایی» و «زدودن اهمیت اخلاقی رفتارها از اذهان عمومی» ارمغان دیگری برای جامعه نخواهد داشت.»

۵- هیچ تحقیقی - حداقل در ایران^۲ - صورت نگرفته است که نشان بدهد وقتی قانونگذار، به عملی وصف مجرمانه می‌دهد، آن عمل حقیقتاً تا چه اندازه در میان مردم قبیح و ناهنجار تلقی می‌شود، بویژه آن قوانینی که راجع به ارزشها و فرهنگ و معنویت هستند.

۶- همه ملتها الزاما در زمان واحدی زندگی نمی‌کنند و البته رشد و سعادت آنها را نیز نباید تنها به میزان نزدیکی شان به زمان جاری (قرن بیستم) سنجید. هر ملتی برای رشد و شکوفایی خود ضرورتاً باید زمان واقعی خود را پیدا کند و از آنجایی شروع کند که حقیقتاً هست.

بزهکار فقط برحسب جرمی که مرتکب شده است، نامی دارد. مثلاً اگر دست به دزدی زده به نام «دزد». اگر مرتکب قتل شده، به نام «قاتل». اگر چاقو کشی کرده، «چاقو کش». اگر ضرب و جرحی به وجود آورده، به نام «ضارب». اگر اختلاس کرده، به نام «مختلس». اگر کلاهبرداری کرده، به نام «کلاهبردار». اگر روسپی ولگرد است به نام «فاحشه و بدنام»

^۲ - ژرژ گوریچ، حقوق و جامعه شناسی، ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، ص ۹۴

^۳ - تا آنجا که ما مطلع هستیم.

و... معرفی می شود و تحت همین عنوان از او گفتگو بعمل می آید. زمانی که عوامل بوجود آورنده جرم- اعم از شرایط خاص محیطی و ویژگیهای فردی بزهکار و بزه دیده - مورد توجه واقع نشود؛ سرکوبی معلول هرچقدر هم با خشونت صورت پذیرد، حاصلی نخواهد داشت. اعمال مجازاتهای سنگین، جهت برچیدن جرم از جامعه، بی گمان تفکری باطل است؛ چرا که مجرم تا حد زیادی محصول محیط خود است و یا اینکه نارسایی هایی در جسم و فعالیتهای جسمانی وی وجود دارد. «برویودوواریل»^۱ در عبارت کوتاهی به زیبایی بیان می کند که: «بزهکار، یا مریض است و یا نادان؛ باید به درمان و آموزش او پرداخت، نه اینکه او را خفه کرد.»^۲ به اعتقاد «بکاریا» سختی مجازاتها نه تنها با هدف پیشگیری از وقوع جرم مغایرت دارد، بلکه حفظ تناسب میان جرم و مجازات را که امری ضروری است نیز از بین می برد.^۳ باری، نگاه به تاریخ گذشته نشان می دهد عکس العمل آحاد مردم در مقابل بزه، تحمل کیفر برای تشفی (آرامش) خاطر زیانداخته و تنبیه فرد خاطی بوده است و توجه وافر به روحیات مجرم و اوضاع و احوالی که وی در حین ارتکاب جرم در آن قرار داشته، نمی شد. با سپری شدن قرنهای به این منوال از عمر بشر، به تدریج این نکته به ذهن عده ای از محققین خطور کرد که تنها مجازات نمی تواند عامل بازدارنده مجرم از جرم و تخلف باشد بلکه باید در این راستا، تدابیر دیگری نیز اندیشید.^۴ در این زمان، حقوقدانان کیفری و جرم شناسان، مجازات بزهکاران را از بعد دیگری مورد توجه قرار دادند و به تدریج اندیشه جایگزینی و دسترسی به نظام حقوقی متکی بر شیوه های جدید پیشگیری از

1- Brissot oe Warihe

^۲ - لوی مرول، حقوق و جامعه شناسی، ترجمه دکتر مصطفی رحیمی / ص ۱۵

^۳ - بکاریا، کتاب جرایم و مجازاتها، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، به نقل از کتاب حقوق جزای عمومی دکتر محمدصالح ولیدی ج اول ص ۲۱۹.

^۴ - قاسمی، ناصر، اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، ص ۱۱

جرم و دفاع اجتماعی و اصلاح بزهکاران اوج گرفت. این فکر با کوشش آقای «فیلیپو گراماتیکا»^۱ تحقق یافت.^۲ به نظر «گراماتیکا» برای اینکه حقوق جزا جای خود را به حقوق دفاع اجتماعی بدهد و نیز آشتی دادن میان فرد و جامعه و رفع بسیاری از حالات ضداجتماعی، جامعه و دولت باید اقدام‌هایی از قبیل برطرف نمودن عوامل و شرایط یا علل ناسازگاری فرد با جامعه، پافشاری بر اقدامات پیشگیری کننده به جای مجازات بزهکاران، توجه به شخصیت بزهکار در اعمال اقدامات دفاع اجتماعی و همچنین جایگزینی سیستم حقوق دفاع اجتماعی به جای حقوق جزای فعلی انجام دهند.^۳ «مارک آنسل» برخلاف «گراماتیکا» با بکار بردن اصطلاح «جرم» مخالفتی ندارد و مسئولیت بزهکار را بعنوان یک واقعیت درونی و اجتماعی می‌پذیرد و هرگز حق مجازات را نفی نمی‌کند؛ در عین حال در سیاست کیفری دفاع اجتماعی نوین، حمایت از فرد در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد. بنابراین برای رسیدگی به محاکمه باید هم «عمل ارتكابی مجرمانه» و هم خصوصیات واقعی شخص بزهکار مورد شناسایی دقیق قرار گیرد تا بتوان مناسب‌ترین تدابیر قضایی را درباره او اتخاذ نمود. به همین دلیل، مکتب دفاع اجتماعی پیشنهاد می‌کند که در هر محاکمه‌ای، علاوه بر پرونده قضایی، پرونده دیگری نیز وجود داشته باشد که دربردارنده اطلاعاتی راجع به خصوصیات بدنی و روانی و زیست‌شناسی و اجتماعی بزهکار باشد.^۴

بخش سوم: جرم و پیشگیری از وقوع آن از دیدگاه اسلام

اصولا دین مبین اسلام، به پیشگیری، بیش از اصلاح، اهتمام دارد و به همین دلیل، قبل از هر چیز به عوامل بوجود آورنده و زمینه‌های گناه و جرم توجه کرده و برای مقابله آنها، با

^۱ - Gramatice.

^۲ - ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، جلد اول، ص ۲۸۰

^۳ - همان. ص ۲۸۴

^۴ - ولیدی، محمد صالح، همان ص ۲۸۶.

واقع بینی تمام، چاره اندیشی نموده است. شاید مهمترین و پربرترین بخش از تأکیدات اسلام، روی همین بعد باشد. اخلاق و فرهنگ عظیم دینی، به واقع، پشتوانه غنی و مطمئنی است که جامعه را از بسیاری از امراض و انحرافات فکری و علمی مصون می‌دارد. البته اگر علما، دانشمندان، نویسندگان، هنرمندان و... این سرمایه بی‌پایان را جدی گرفته و با استفاده از ابزارهای نوین تبلیغاتی مردم را دائما متذکر باشند و هدایت نمایند. «ریموند گسن»، محقق هوشمند جرم‌شناسی - که حتی عقایدش را بعد از تحقیق روشمند و علمی، با احتیاط و وسواس بیان می‌کند - در این زمینه می‌نویسد: «سیستم‌های گوناگون کنترل غیرکیفری، نقشی متغیر اما مسلم در امر پیشگیری از تبهکاری و تکرار جرم دارند.»^۲ وی همچنین معتقد است: «سیاست نوین جنایی که متمرکز در پیشگیری‌های ثانویه است، به طور قطع، اثر بسیار محدود کننده ای بر روی تبهکاران دارد.»^۱ ترویج دستورات اخلاقی اسلام و بکارگیری توصیه‌های آن در عرصه‌های مختلف زندگی، همان چیزی است که «برانتینگهام وفاست» (۱۹۷۶) از آن بعنوان پیشگیری اولیه یاد می‌کند^۱ و جالب است که «اشتاین متر» (۱۹۸۲) از اهمالی که در امر بازدارندگی عمومی و فردی ایجاد شده است، سخن می‌راند و اظهار تأسف می‌کند.^۲ اهتمام به عبادات فردی و جمعی مانند نمازهای یومیه، روزه، حج، نماز جمعه، عزاداری در ماه‌های محرم و مراسم ویژه ماه رمضان، شرکت در مساجد و تکایا، زیارت مقابر قدسی ائمه اطهار (علیهم السلام) و بزرگان دین، از جمله مراسم مذهبی - سنتی و تقریبا بی‌هزینه جامعه ماست که می‌توان در این راستا نهایت بهره معنوی را حاصل نمود. علاوه بر توصیه‌های مکرر فوق، نهاد مستقل دیگری به نام امر به معروف و نهی از منکر توسط دین اسلام تأسیس شده است، تا عمل به

^۲ - جان گراهام، استراتژیهای پیشگیری از جرم در اروپا و آمریکای شمالی، ترجمه مؤسسه جرم‌شناسی، جلد اول ص

فرامین اخلاقی را تضمین نموده و در عین حال، از اصلاح جامعه نیز، غفلت نشود. امر به معروف و نهی از منکر، به معنای مسئولیت فرد در قبال مردم و جامعه است و مبارزه با همه عوامل انحرافی و بیمار کننده و ضد ترقی و سلامت را شامل می‌شود. اگر بتوانیم با توجه به وضعیت جوامع فعلی، راهکارهای منطقی و کارآمدتری برای انجام این واجب الهی پیدا کنیم، جامعه خود به خود و در سطحی وسیع و چه بسا با تخصیص هزینه‌هایی به مراتب کمتر، کنترل خواهد شد و با این نظارت گسترده عمومی، لغزشها و انحرافات به حداقل خود خواهد رسید. اسلام با توجه به جهان بینی الهی و توحیدی خود، به هستی معنی می‌بخشد و در نتیجه به زندگی، هدف و نشاط داده و در نهایت به انسان، آرامش و به جامعه، آسایش می‌دهد.

بخش چهارم: پیشگیری از وقوع جرم در قانون

پیشگیری از وقوع جرم از جهت خط مشی و از جهت عمل به سنت‌های فرهنگی، سیاسی و فکری رایج بستگی دارد، به همین دلیل نحوه پذیرش و مفهوم سازی پیشگیری از جرم و در نتیجه روش برنامه ریزی، هماهنگی و اجرای سیاستهای مربوط در سطح ملی در کشورهای مختلف به نحو قابل ملاحظه‌ای متفاوت است. در برخی از کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، مراجع وزارتی و یا شوارهای ملی پیشگیری از جرم با داشتن نمایندگانی از ارگانهای مختلف خصوصی و عمومی، به ارائه، طراحی و هماهنگ سازی استراتژیهای پیشگیری از جرم، مبادرت می‌نمایند. در کشورهای دیگر نیز، مسئولیت پیشگیری از وقوع جرم، مبادرت می‌نمایند. در کشورهای دیگر نیز، مسئولیت پیشگیری از وقوع جرم، عمدتاً بر عهده خود وزارتخانه‌ها، پلیس و یا دادستانی است.^۱ در برخی کشورها نیز، بویژه

^۱ - جان گراهام، استراتژیهای پیشگیری از جرم در اروپا و آمریکای شمالی، ترجمه مؤسسه جرم شناسی. ص ۸

کشورهای اروپای شرقی، وظایف مربوط به اجرای قانون پیشگیری از جرم، بطور اجتناب ناپذیری مرتبط با یکدیگر تلقی می شود. بدین ترتیب، دادگاهها نه تنها مسئول حل و فصل دعوای مطروحه اند بلکه مسئولیت شناخت و حل علل و عوامل ریشه ای برخی از جرایم خاص را نیز به عهده دارند. در برخی از کشورها نیز، پیشگیری از جرم بیش از آنکه مربوط به اجرای قانون و نقش نظام عدالت کیفری باشد، به نحو بسیار نزدیکتری مرتبط با سیاست اجتماعی و عمومی است.^۱ اقدام مناسب جهت پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین طبق بند (۵) از اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله وظایف قوه قضائیه محسوب می شود. این مسئولیت که به واقع بسیار سنگین و پیچیده است و در اهمیت آن همین بس که، در صورت عدم موفقیت در این مسئولیت، اعتبار، حیثیت و کارآمدی یک نظام مخدوش می شود؛ به رغم آنکه در این زمینه تلاشهایی شروع شده است و ریاست محترم قوه قضائیه نیز مسئولیت امر پیشگیری از وقوع جرم را از طریق مرکز تحقیقات قوه قضائیه پیگیری می نمایند، ولی با این همه، به نظر می رسد که به خاطر اهمیت فوق العاده این امر، پیش بینی معاونت پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین، کارآمدتر باشد و مرکز تحقیقات نیز زیر نظر مستقیم این معاونت و فارغ از هرگونه درگیریهای روزمره اجرایی که چندان هم با مرکز تحقیقی سازگاری ندارد، به امر تحقیق و پژوهش مشغول باشد. در این صورت قوه قضائیه دارای مرجعی مشخص و با وظایف تعریف شده ای است که در مواقع ضروری، پاسخگوی سؤالات و شبهات مطروحه در سطح جامعه می باشد. اسلام تمام مساعی خود را به کار می بندد و تمهیدات لازم را در بعد فردی و اجتماعی برای سلامت افراد و جامعه تدارک می بیند؛ با این همه، از اصلاح و بازپروری آن عده از افرادی که احیاناً مرتکب جرم و گناه می شوند، غافل نمانده است که

^۲ - همان - ص ۱۰.

اتفاقاً علمی‌ترین و انسانی‌ترین تدابیر را بعد از ارتکاب جرم، مدنظر قرار داده است. باتوجه به اهمیت امر پیشگیری از وقوع جرم و موقعیت والای این مسئولیت در تمامی نظامهای معتبر امروزی، این تفسیر که «هرگونه اقدامی که در مورد امر پیشگیری از وقوع جرم لازم باشد، اگر قوای دیگر در اجرای آن، وظایفی را متحمل گردند دخالت در سایر قوا نخواهد بود.» کاملاً منطقی به نظر می‌رسد؛ چرا که انجام این وظیفه سنگین در کشور ما متولی دیگری ندارد.^۱ بخصوص که ممکن است دولت و یا نهادهای دیگر غیردولتی از اثرات بالقوه جرم زایی سیاستهای خود آگاه نباشند، لذا برای به حداقل رسانیدن اینگونه تأثیرات، نظارتی از دید سیاست جنایی، منطقی و ضروری به نظر می‌رسد. شاید «نظارت بر حسن اجرای قوانین»^۲ را بتوان از این زاویه نیز تعریف نمود و یا لاقلاً یکی از وجوه این نظارت برشمرد.

بخش پنجم: اهمیت خانواده در پیشگیری از جرم

سالهای زیادی است که جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی به اهمیت غیرقابل انکار و عظیم خانواده در تربیت فرزندان خود توجه کرده‌اند و براین باورند که خانواده بعنوان یک اجتماع اولیه با اعضای تشکیل‌دهنده محدود و اندک خود (فرزندان) به منزله پرورشگاه باورها، اعتقادات، ارزشها، هنجارها، اخلاقیات، اندیشه‌ها و رفتارهای مورد قبول اجتماعی محسوب می‌شود. پرواضح است که جنبه‌های مختلف شخصیتی هر فرد سالم و ایده‌آل از ارائه مطلوب هنجارهای مورد قبول اجتماع از سوی والدین خود شکل گرفته و به سوی تکامل پیش می‌رود. اگر خانواده در ارائه علمی، رفتاری و گفتاری

^۱ - پیشگیری از وقوع جرم که در بند ۸ ماده (۴) قانون نیروی انتظامی (مسوب ۲۷ تیرماه ۱۳۶۹) آمده است، به تصریح همان قانون نیروی انتظامی به عنوان ضابط قوه قضائیه عمل می‌کند.

^۲ - بند (۴) از اصل (۱۵۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

بایدها و نبایدهای انسانی و اجتماعی به فرزندان خود موفق باشد، به نظر می رسد که در آینده، کمتر شاهد نقض حقوق فردی و اجتماعی در جامعه باشیم. هیچ جامعه ای نمی تواند به سلامت دست پیدا کند، اگر از خانواده های ناسالم رنج ببرد. «گورر» دانشمند روسی معتقد است: «حتی طرز قنذاق کردن کودک در خانواده، تأثیر شگرفی در آینده کودک پدید می آورد.» «فروید» متأثر از اندیشه بقا و جابجایی عناصر می گوید کودک در درون خانواده، بخصوص در سالهای نخست، در زمره تأثیرپذیرترین موجودات عالم است. کودک هنوز مکانیسم دفاعی برای دفع اثرات را ندارد. بنابراین اثراتی که بر ذهن او وارد می شود، باقی می ماند؛ لذا باید گفت که اگر بنا باشد در جامعه انسانهای سالمی داشته باشیم، اول باید خانواده ای متعادل از نظر اخلاقی، اعتقادی، رفتاری و... داشته باشیم؛ زیرا هر جا که خانواده نیست، ما می توانیم تأثیر عدم وجود آن را روی جامعه احساس کنیم که برای تمام عمر انسان باقی بماند. در بررسی وضعیت شخصیتی غالب مجرمان، به خصوص مجرمان نوجوان و جوان، ملاحظه خواهیم کرد که اکثریت آنها در دوران کودکی و نوجوانی مشکلاتی را از لحاظ عاطفی، تربیتی، مالی و رفتاری داشته اند که ناشی از عدم تربیت و حضانت مناسب پدر و مادر آنها بوده است؛ بطوریکه یا خانواده از هم پاشیده و والدین از هم جدا داشته اند یا یکی از آنها، بخصوص مادر محکومیت کیفری داشته است و... به بیان بهتر، در این خانواده ها، پوسته حراست و ایمنی ترک برداشته و میکروب ها به درون آن راه یافته و ممکن است، این میکروب به حدی مؤثر باشد که ادامه زندگی را از فرد بگیرد. از نظر جامعه شناسی، خانواده ها دو مکانیسم و فعالیت عمده را برعهده دارند: یکی آنکه پدر و مادر نقش مولد و والدی دارند و دیگر اینکه باید به جامعه پذیری کودک پردازند و کودک را به نسل های آینده پیوند دهند، اما آیا در همه خانواده ها این مکانیسم به نحو احسن انجام می گیرد؟ آیا پدری که معتاد به مواد الکلی یا مواد مخدر

است، پدری که کارش خرید و فروش مواد مخدر است، یا پدری که سوابق متعدد محکومیت به جرایم سرقت، مزاحمت، ضرب و شتم و ... را دارد، می‌تواند تربیت و محافظت از فرزند یا فرزندان خود را برعهده داشته باشد؟ آیا سرپرست و ولی بودن، به معنی به دنیا آوردن یک کودک یا نوجوان است؟ آیا ولایت پدر و مادر صرفاً در تهیه و تدارک معاش زندگی، خوراک و پوشاک طفل خلاصه می‌شود یا اینکه وظیفه اصلی آنها تربیت صحیح و محافظت از ابتلای فرزند یا فرزندان خود به انواع آلودگیهای اجتماعی است؟ و آیا پدری که به این وظیفه مهم خود نتواند عمل کند، می‌تواند عنوان ولایت قهری را برعهده داشته باشد؟

اگر ما بخواهیم بین انسان و قوانین جامعه تعادل برقرار شود، باید از خانه و خانواده آغاز کنیم، یعنی از اولین بستر حیات انسانی. از جمله بزرگترین راههای انتقال میراث فرهنگی به کودکان و نوجوانان، راه مصاحبت، معاشرت و گفتگوست و از این طریق زمینه بلوغ کودکان فراهم شده و آشتی آنها با قوانین و الگوهای اخلاقی و اجتماعی صورت می‌گیرد و گفتگو به عبارتی راه بزرگ تعلیم و تربیت است. ممکن است ما با جبر و تندی، کودکان را مطیع خود کنیم، اما این را نیز نباید فراموش کنیم که کودکان و نوجوانان ما، مقابل مقررات تحمیلی و هنجارهای درونی نشده، مقاومت نشان خواهند داد. این امر، در مورد افراد بزرگسال نیز مصداق دارد بدین توضیح که اگر مردم از لحاظ اخلاقی، عملی را بعنوان عملی ناپسند، غیرانسانی و غیراخلاقی تلقی نکنند و آن را نپذیرند، ممکن است ما با توسل به زور، چند صباحی جلوی ارتکاب به آن عمل را بگیریم، اما چندی نخواهد گذشت که با ارتکاب متعدد به آن عمل، مواجه خواهیم شد. خانواده، برای پیشگیری از نابسامانیهای اجتماعی، اعمال مجرمان و عدم تعادل روحی افراد، مهمترین ابزار است. انسانی که از درون یک خانواده ناسالم برخاسته، نمی‌تواند یک شهروند درست باشد. پس

باید، از وارد شدن آسیب بر پیکره خانواده‌ها محافظت کرده و تلاش کنیم پوسته محافظ آن، سالم بماند. در زیر، به پاره‌هایی از آسیب‌هایی که ممکن است برای خانواده تهدید کننده باشند، اشاره می‌شود:

۱- خانواده‌هایی که والدین آن در کنار اطفال خود نیستند، بخصوص با توجه به وضعیت اقتصادی فعلی حاکم بر جامعه و تأثیر آن روی خانواده‌ها و لزوم فعالیت و کار شبانه روزی زن و مرد خانه برای تأمین هزینه‌های متعارف زندگی، باعث شده است یا پدر خانواده به شهرهای دیگر مهاجرت کند یا در شهر خودشان برای ساعاتی طولانی از روز، دور از فرزندان نوجوان و جوان خود باشند. به عبارت دیگر به علت خستگی ناشی از کار، حوصله‌ای برای گفتگو و مصاحبت با فرزندان از طرف والدین باقی نمانده و نتیجه عدم تربیت کافی هم به وضوح روشن و عیان است.

۲- خانواده‌ای که فضای عاطفی درونش آسیب دیده، ولی اسکلت آن هنوز پابرجاست. تلاش برای کاهش آمار طلاق‌ها در کشور، امری پسندیده و مفید است اما آیا کافی است؟ یعنی اگر با وجود انواع اختلافات درونی، صرفاً اسکلت خانواده را حفظ کنیم، بقای چنین خانواده‌ای برای کودکان و نوجوانان مفید فایده خواهد بود؟ باید کیفیت روابط خانواده‌ها را بالا برده و از طریق بالا بردن مرزهای عاطفی و محبت، موجبات پرورش کودکان متعارف را در جامعه فراهم کرد.

۳- مسأله دیگر، ورود انواع رسانه‌ها به محیط خانواده‌هاست. رسانه‌ها معمولاً خانواده‌ها را از شکل سنتی خود بیرون برده و تغییراتی عمیق و پایدار در آن ایجاد می‌کنند. رسانه‌ها محیطی نو در خانه‌ها پدید می‌آورند، انگیزه‌های تازه‌ای در راه جذب ساکنان خانه ایجاد می‌کنند، با ورود رسانه‌ها به اعماق خانه‌ها، معماری خانه‌ها نیز تغییر می‌کند، حتی

طرز نشستن انسانها نیز دگرگون می‌شود به نحوی که دیگر دور هم نمی‌نشینند، بلکه همه در یک خط قرار می‌گیرند تا بتوانند به تلویزیون نگاه کنند. به عبارتی دیگر، رابطه چهره به چهره و مستقیم انسانها، جای خود را به رابطه انسان و شیء (تلویزیون، رایانه‌ها و...) می‌دهد و در این صورت است که فضای عاطفی خانه‌ها نیز آسیب پذیر می‌شود. از میزان گفتگو، تعاطی افکار و گشودن دلها در برابر یکدیگر کاسته شده و فاصله عاطفی بین والدین و فرزندان ایجاد می‌شود و... خود مقدمه‌ای بر بزهکاری و هنجارشکنی‌هاست که شروع می‌شود. خانواده یک گروه اولیه است، یعنی در آن روابط، طبیعی، غیر قراردادی، انسانی و عاطفی است. ورود قوانین خشک به حریم خانواده با تعدد آن، باعث ایجاد بحران در خانواده‌ها خواهد شد. پس لازم است از این کانون‌های گرم و پر از عاطفه و محبت خانواده‌ها حمایت کنیم و همواره کنترل‌های لازم و مساعدت‌های مورد نظر را به منظور حفظ فضای عاطفی و اخلاقی آن داشته باشیم و بدین طریق در انتظار تربیت شدن انسانهایی با جامعه‌پذیری بالا و احترام‌گذارنده به ارزشهای اخلاقی و اجتماعی باشیم و این امر به یقین ما را در پیشگیری از ارتکاب به جرایم و کاستن جبران آن موفق خواهد ساخت.

بخش ششم: نقش رسانه‌ها در پیشگیری از وقوع جرم

«خشکاندن ریشه‌های بزه از طریق تأثیر بر فردی که از خود گرایش‌های بزهکارانه» نشان می‌دهد، یا بر محیط، یکی از قدیمی‌ترین رویاهای بشریت است. بحث پیشگیری از جرم را آن دسته از حقوق‌دانان پیش کشیدند که نظام کیفری را برای کاهش اثرات جرم در جامعه کافی نمی‌دانستند. یکی از نخستین پیشگامان این وادی، «جرمی بنتام» - حقوق‌دان و فیلسوف انگلیسی - بود. وی که در جستجوی راه حلی برای محو یا حتی الامکان کم کردن

تعداد جرایم بود، به «ابزارهای مکمل» برای نظام کیفری اندیشید و بر نقش آموزش و پرورش (و بویژه شناخت قوانین)، مذهب و دولت در مراقبت از کودکانی که پدران و مادران آنان نالایقند و نیز بر فعالیتهای فرهنگی و غیره تأکید کرد. در عصر حاضر مهمترین ابزار فعالیتهای فرهنگی، رسانه های گروهی است که اتفاقاً نقش آن در پیشگیری از جرم، مورد تصریح جرم شناسان و حقوقدانان قرار گرفته است. در بخش های قبل، دیدگاههای جرم شناسان در مورد نقش دوگانه رسانه های گروهی در افزایش جرم یا پیشگیری از آن، مورد توجه قرار گرفت. در اینجا به برخی از تجارب بین المللی، در زمینه های قانونی و پیشنهادات کارشناسی مطرح در این خصوص اشاره می شود.

الف- تجارب بین المللی: در مطالب ارائه شده به کارگاه آموزشی «رسانه های گروهی و پیشگیری از جرم» که طی کنگره نهم سازمان ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم و نحوه رفتار با مجرمان تشکیل شد، موارد متعددی از تجربه استفاده از رسانه ها در پیشگیری از جرم در کشورهای مختلف به چشم می خورد. مقاله «جرایم علیه زنان» نوشته آیتا آناند، مدیر سازمان اصلی زنان در دهلی نو، به نقش موثر مطبوعات هند در شناسایی حقوق زنان و آگاهی بخشی به آنان پرداخته است. این کار از طریق افشای جرایم علیه زنان و دختران و حساس کردن مردم، دولت و جامعه بین المللی نسبت به این امر صورت گرفته است.

ب- زمینه های قانونی: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دولت را موظف کرده برای رسیدن به اهداف والای انسانی و اسلامی، از رسانه های گروهی به صورت مطلوبی استفاده کند. در بند ۲ اصل ۳ قانون اساسی نیز بر «بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل

دیگر» تأکید شده است. بنابراین قوه قضائیه که مطابق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی به «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» موظف شده است، همسو با سیاست‌های ایجابی سازمان صدا و سیما و نیز مطبوعات و سایر رسانه‌ها، باید از این ظرفیت‌های قانونی استفاده بهینه کند؛ بویژه با عنایت به اصل ۱۷۵ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «شورایی مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت».

بند اول: راهکارهایی برای تقویت نقش رسانه‌ها در پیشگیری از وقوع جرم

نظر به اهمیت نقش رسانه‌ها در پیشگیری از جرم، کارشناسان راهکارهای متعددی را برای استفاده از این قابلیت پیشنهاد کرده‌اند:

- تولید و پخش برنامه‌هایی متناسب با ذهنیت و خواستار اقشار مختلف مردم، تهیه و پخش برنامه‌های آموزشی با موضوعات مختلف فرهنگی، تربیتی، علمی و... توجه به کمیت و کیفیت برنامه‌های رادیو و تلویزیون.
- آموزش قوانین به صورت ساده، تهیه برنامه‌های داستانی به همراه تحلیل‌های علمی و انجام مصاحبه تخصصی در حوزه آسیب‌های اجتماعی.
- اطلاع‌رسانی صادقانه و عالمانه با اولویت دادن به منافع عمومی، ارتقای سطح آگاهی و فراهم ساختن زمینه برخورد اندیشه‌ها با رعایت اصل بی‌طرفی.
- پیشگیری از بزهکاری از طریق آموزش عمومی

پیشنهادهای فوق‌الذکر را می‌توان حول و محور ذیل، جمع‌بندی کرد:

۱- نقد و بررسی محتوای برنامه ها و مطالب رسانه ها.

۲- برنامه سازی و اطلاع رسانی با عنایت به روح سیاست جنایی کشور و وضعیت جرم در جامعه.

بند دوم: توجه به سیاست جنایی در تولید برنامه و اطلاعات

در استفاده مستقیم از رسانه ها برای پیشگیری از وقوع جرم، دو محور برنامه سازی و اطلاع رسانی باید مورد توجه قرار گیرد. برنامه سازی شامل تولید فیلم سینمایی، داستانی، مستند، انیمیشن و... به منظور آموزش قوانین و مقررات به مردم، ترویج فرهنگ احترام به قانون، معرفی نهادهای متولی امنیت اجتماعی، معرفی مراکز حمایت از اقشار آسیب پذیر و آسیب دیده جامعه، ترویج کنترل اجتماعی و مشارکت مدنی در پیشگیری از وقوع جرم و افزایش امنیت جامعه، آموزش مکانیزم های دفاع اجتماعی و پیشگیری از بزه دیدگی، آموزش مهارت های زندگی و راهبردهای حل مسئله و...

در اطلاع رسانی نیز می توان از نکات ذیل بهره جست:

تهیه خبر، گزارش خبری، مصاحبه، تفسیر و... در مورد تحولات سیاست جنایی، تغییر و اصلاح قوانین و مقررات، عملکرد نهادهای متولی نظم و امنیت اجتماعی، موانع و تنگناهای قانونی، اجرایی، اجتماعی و... در پیشبرد نظم و امنیت در جامعه، ریشه یابی و آسیب شناسی حوادث اجتماعی، اطلاع رسانی در مورد جرایم ملی و سازمان یافته و... تحولات سیاست جنایی در کشور در سالهای اخیر و تغییر ساختار و تشکیلات و ظرفیت های دادرسی در قوه قضائیه از جمله احیای دادسراها، تشکیل شوراهای حل اختلاف و... مثال های مناسبی برای اطلاع رسانی هستند. اطلاع رسانی بویژه در مورد جرایم سازمان یافته و ملی باید توأم با شناسایی زمینه های وقوع جرم و هشدار در مورد تکرار آن باشد. ضمناً در اینگونه جرایم

باید از قهرمان سازی مجرم و بزرگنمایی جرم پرهیز شود، تا ضمن جلوگیری از برانگیخته شدن تمایلات مجرمانه در افراد مستعد، احساس ناامنی در جامعه افزایش نیابد. با آموزش حقوق اساسی به مردم و هشدار در مورد اجرای اصول معطل مانده قانون اساسی به زمامداران، اطلاع رسانی صادقانه در مورد مسائل سیاست داخلی و خارجی و مسائل بین المللی، اطلاع رسانی در مورد حقوق اساسی سایر کشورها و... می توان به اعتماد سازی ملی و پیشگیری از نارضایتی و جرایم سیاسی پرداخت. راهکارهای فوق الذکر، بخشی از پیشنهادات محتوایی و نظری است که در این خصوص ارائه شده و این قبیل راهکارها که مفصلاً در مقالات و منابع جرم شناسی مورد بحث قرار گرفته برای اجرایی شدن به ساز و کار اداری و قوانین و مقررات ویژه نیازمند است که باید از سوی متولیان امر و مراجع ذیربط پیگیری شود.

بخش هفتم: راههای پیشگیری از وقوع جرم

امروزه توجه عمومی به نقش کلیدی افراد در سازمانها بیشتر شده است. توافق عمومی آن است که بدون درگیر شدن و مشارکت افراد در سازمانها، این سازمانها دارای اثربخشی و کارایی نیستند. بنابراین عوامل انسانی از مهمترین عوامل بهره وری سازمان محسوب می شوند. آموزش منابع انسانی با تعمیر و نگهداری ماشین آلات قابل مقایسه است. همانطور که معمولاً، ماشین آلات برای اینکه در بالاترین حد بازدهی قرار داشته باشند نیازمند برنامه تعمیر و نگهداری مرتب می باشند، توسعه دوره های آموزشی نیز برای حداکثر کردن ویژگیهای تولید و بهره وری کارکنان ضروری است و در تمام سازمانها از واجبات است.

آموزش: منظور از آموزش، افزایش توانایی های تخصصی و مهارت یافتن در انجام

امور محوله و به فعل درآوردن قسمتی از تواناییهای کارکنان مؤسسات و سازمانها است.

هدف از آموزش کارکنان به لحاظ ماهیت و فعالیتهای آن تأکید برانجام کار و آموزش در آن زمینه است.

ضرورت آموزش و پرورش: حداقل چهار دلیل مهم برای لزوم و اهمیت آموزش و

پرورش مستمر در سازمانها وجود دارد:

اول: پیشرفت دانش آنقدر سریع است که دانش و مهارت فرد اگر به روز نشود، به

سادگی دچار کهنگی می گردد.

دوم: افزایش سریع تعداد رشته های فرعی تخصصی و تمایل پایدار به سوی تخصصی

شدن، نیازمند کسانی است که بتوانند ارتباط موثری بین رشته های تخصصی برقرار کنند.

سوم: عدم شرایط احراز شغل در نزد شاغلین در هنگام استخدام به علت محدودیت های

محیطی، فشار بیرون محیطی در استخدام نیروهای مورد نظر آنها، تصدی شغل جدید درون

سازمانی(تأثیر از مسیر پیشرفت شغلی انطباق با شرایط جدید به علت تغییر تکنولوژی و

فعالیتها، توجه به آموزش را نمایان می نماید).

چهارم: برای رقابت با نیروهای آموزش دیده و تازه وارد، آموزش می تواند موفقیت

مشاغل را در پایان تثبیت نماید.

فواید آموزش:

۱- برای سازمان

- به سودآوری منجر می شود یا دست کم نگرش های مثبت تری را در مورد سودآوری

پدید می آورد.

- دانش و مهارتهای تخصصی را در تمام رده های سازمان بهبود می بخشد.

- روحیه کارکنان را بهبود می بخشد.
- به افراد کمک می کند تا هدفهای سازمانی را بشناسند.
- به ایجاد تصویر ذهنی بهتری از سازمان کمک می کند.
- صداقت، بی پردگی و اعتماد را تقویت می کند.
- بالندگی سازمانی را گسترش می دهد.
- از کارآموزان می آموزد.
- به درک و اجرای سیاستهای سازمانی کمک می کند.
- پیشرفت سازمانی را از درون میسر می کند.

۲- برای افراد

- که در نهایت به سازمان باز می گردانند.
- خودپروری و اعتماد به نفس را ترغیب و دست یابی به آنها را ممکن می کند.
- ۳- برای مدیریت منابع انسانی، روابط انسانی، روابط بین گروهی و سیاستهای سازمانی.
- ارتباط بین گروهها و افراد را بهبود می بخشد.
- توجیه و آماده سازی کارکنان جدید و آشنایی را که از طریق انتقال به مشاغل جدید گماشته شوند ساده می کند.
- روحیه گروهی را بهبود می بخشد.
- همبستگی گروهی را بوجود می آورد.

- جو مناسبی را برای یادگیری، رشد و هماهنگی بوجود می آورد.

- سازمان را به محل مناسبی برای کار و زندگی تبدیل می کند.

- اجرای سیاستها و مقررات سازمانی را ساده می کند.

بند اول: بازگشت به اصول فرهنگی برای مقابله با شیوع جرم

امروزه آمار و اخبار منتشره در صفحات روزنامه ها نشان می دهد که در همه جای دنیا حتی در کشور ما، بر میزان جرم و جنایت افزوده شده و این موجبات نگرانی مردم را فراهم آورده است. کارشناسان در بررسی علل این وضعیت، تحلیل های مختلفی ارائه می دهند؛ هرچند معتقدند این عوامل در هر جامعه ای مجموعه دلایل خاص خود را دارد. گروهی بر این باورند که بخش حوادث روزنامه ها از قسمت های خواندنی جراید است و به این سبب، مطبوعات می کوشند تا با تقویت این صفحه، خواننده بیشتری را جلب و راضی کنند. بعضی دیگر به توسعه و سرعت وسایل اطلاع رسانی اشاره می کنند و ضمن تأیید این افزایش، عقیده دارند که اینک بیش از گذشته، امکان سرعت انتقال اطلاعات فراهم آمده و همین امر موجب شده است تا خبرها پیش از «سوختن» به اطلاع مردم برسد. جامعه شناسان معتقدند، ازدیاد جمعیت، کمبود امکانات، افزایش نیازها و گسترش مناطق حاشیه ای شهری، از عوامل اصلی برخوردهای اجتماعی و بروز جرم است. روانشناسان نیز در پاسخ به این مسأله، به افزایش فشارهای روانی ناشی از پیچیدگی روابط اجتماعی و خالی شدن زندگی از معنویت و عشق اشاره می کنند و بالاخره اقتصاددانان معتقدند که سبب عمده را باید در افزایش هزینه های زندگی، بیکاری، فقر و توسعه نیافتگی کشور جستجو کرد. به هر حال، اگر با هریک از این اظهار نظرها موافق باشیم یا آن را رد کنیم، واقعیت آن که جرم، به معنای علمی مغایر و مخالف تأیید قانون، روبه افزایش است و بنا به

اظهارات رسمی، در هر ۵۹ ثانیه یک نفر در کشور ما به دلیل ارتکاب به یک یا چند نوع عمل خلاف وارد زندان می‌شود. حال با این وضعیت، چه باید کرد؟ حقیقت آن است که در این زمینه، به مجموعه فعالیت‌هایی هماهنگ، عملی و برنامه ریزی شده نیاز داریم، واقعیتهایی که غرب با همه پیشرفتهای پژوهشی خود نتوانسته است به آن نایل آید؛ زیرا به رغم همه امکانات و تأمینات اجتماعی، به دلیل آزاد گذاشتن افراد در پیروی از خواسته‌های خود در صحنه روابط خانوادگی و اجتماعی و حمایت و تقویت آن، از توفیقات خود بسیار کاسته است، اما در کشورهای شرقی بخصوص در مینن ما وضع به گونه‌ای دیگر است و عموماً افزایش جرم، ناشی از دور افتادن از فرهنگ و سنت‌هایی است که در گذشته بر تربیت، روان، اقتصاد و فرهنگ جامعه سیطره داشته، آن را قوام می‌داده و پایدار نگه می‌داشته است. (فرهنگی که ایجاد روابط براساس محبت و احترام را تشویق می‌کرد، خویشنداری، نوع دوستی و مروت را توسعه می‌داد و مانع گسترش خشونت می‌شد؛ ضرورتی که در جامعه ما و تمامی جوامع شرقی دیگر برای مبارزه با موج روزافزون مبارزه با جرم، احساس می‌شود). به عبارت دیگر، برای مقابله با جنایت و تخلف، باید آنچه امروز غرب برای پیشرفت بیشتر تحت عنوان «بازگشت به اصول» در زمینه علمی می‌جوید، ما در ابعاد فرهنگی خود جستجو کنیم و قدم اول در این راه، شناخت و ارزیابی این فرهنگ است.

بند دوم: جرم زدایی و نقش سازمانهای فرهنگی - اجتماعی

با ایجاد آموزه‌های مختلف در جهان، شکستها و موفقیت‌های آنان، تفکر جرم زدایی را مکتب دفاع اجتماعی نوین، به عنوان بحث اساسی و مهم مطرح کرد، اگرچه این بحث ابتدا به صورت تئوری مطرح شد، اما کم کم جنبه علمی به خود گرفت و جوامع پیشرفته سعی در اجرای این تفکر کردند. سیاست جنایی که جرم زدایی یکی از ویژگیهای اساسی آن

است، شامل تدابیری برای مهار جرم و انحراف است که هسته مرکزی آن حقوق جزا است، اما حول آن، اقماری هستند که به اتفاق این هسته اصلی، در کنترل جرم مشارکت می کنند سیاست جنایی که در مفهوم مضیق تحت عنوان سیاست کیفری بررسی می شود، رشته ای است که در قلمرو سیاست حقوقی یک جامعه قرار می گیرد، لذا سیاست کیفری تابعی از سیاست حقوقی دولت است. یکی از ویژگیهای سیاست جنایی در مقوله دفاع اجتماعی، جرم زدایی است؛ جرم زدایی یعنی زدودن وصف مجرمانه از جرم و تفاوت آن با کیفرزدایی به این معنی که کیفرزدایی زدودن یا تخفیف کیفر است، اما جرم زدایی، پیرایش وصف مجرمانه از یک جرم است. جرم زدایی بستگی به ضرورت‌های اجتماع دارد، چنانچه بعضی کشورها اقدامات جرم انگارانه انجام می دهند؛ مثلاً افغانستان با وضع قوانین جدیدی، ریش نگذاشتن مردان را عاملی برای مجرم بودن آنان قلمداد کرده است و این مساوی است با اقدامات جرم انگارانه. بنابراین با وضع قوانین جدید که در عرف، محل خاصی دارد، شخص بی گناه را گناهکار جلوه می دهد و این اقدامات جرم انگارانه سببی برای بی اعتقادی مردم به قوانین و مقررات و کم ارزش بودن وصف مجرمانه دارد. در کشورهای پیشرفته اقدامات وسیعی برای جرم زدایی صورت گرفته است، زدودن وصف مجرمانه از برخی جرایم مربوط به راهنمایی و رانندگی و آزاد کردن سقط جنین در برخی موارد، از این اقدامات است. در کشور ما، قبل از جنگ تحمیلی معاملات خارج از بانک جرم بود اما پس از جنگ، این قانون کنار گذاشته شد و از قاچاق ارز جرم زدایی شد یا بعنوان مثال، عده ای در زمان جنگ جعل کالا برگ می کردند و قانونگذار، جعل کالا برگ را جرم قلمداد کرد؛ اما امروزه سیستم اقتصادی ما این جرم را از صورت جرم های خود زدوده است؛ زیرا دیگر جعل کالا برگ محل چندانی ندارد. بنابراین جرم زدایی نشأت گرفته از تحول اعتقادات، آداب و رسوم یا ضرورت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و

اقتصادی هر جامعه ای است. از سده پیش و نیز با کمال تعجب در سده حاضر، بر تعداد اعمالی که قانون جزا، آنها را جرم تلقی می کند، افزوده شده است. تردیدی نیست که کمی جرایم، در سطح گسترده ای ناشی از توسعه فنون علمی و پیشرفت اجتماعی است. ظهور راه آهن و وضع مقررات راهنمایی و رانندگی (کد رانندگی)، رشد تجاری، صنعتی شدن و سپس شهرسازی و رشد پدیده شهرنشینی، برقراری مقررات جدید کیفری مالی را به صورت حقوق کیفری اقتصادی، حقوق مبادلات با حقوق بانکی - صرف نظر از حقوق کیفری بویژه پیچیده محیط زیست - به دنبال داشته است. اما به تدریج که این جرایم جدید روبه افزایش می گذراند، جنبه های کهنه بسیاری از جرایم قدیمی نیز بر ما آشکار می شود. به موازات از بین رفتن سلطنت در بسیاری از کشورهای پیشرفته امروزی مقررات کیفری مربوط به سوء قصد به جان شاه، خانواده سلطنتی و یا مقابله با قدرت شاهی ملغی شده است...، با این همه، جرم زدایی به مفهوم دقیق این واژه، یعنی سلب مجازات از رفتاری خاص، هر قدر هم که در حال حاضر ضروری به نظر برسد، به صورت محدودی تحقق پذیر است. بعنوان مثال در شرایط فعلی و در جوامع کنونی، هیچ کس پیشنهادی برای جرم زدایی از قتل عمد، سرقت یا کلاهبرداری ارائه نمی دهد. اما جریان سیاست جنایی امروزی که به سوی محدود ساختن مجازات گرایش دارد، شاید بتواند خیلی آسانتر و مفیدتر به کیفرزدایی روی آورد. در اینجا منظور این نیست که خاصیت جرم بودن عملی را از آن سلب نمائیم، بلکه هدف آن است که اگر چنین تعریفی صحیح باشد، آن را موزون سازیم. این بدان معنی است که در اکثر موارد از شدت مجازات بکاهیم و یا خاصیت کیفری مجازات را از آن سلب نمائیم. جنبش امروزی دفاع اجتماعی، اهمیت فراوانی برای سیاست جنایی و شیوه های ملی کیفرزدایی قائل است.

سیاست جنایی براساس هنر و فن به سه نوع تقسیم می شود:

۱- سیاست جنایی تقنینی

۲- سیاست جنایی قضایی

۳- سیاست جنایی اجرایی

در حقیقت جرم زدایی، یکی از وظیفه های سیاست جنایی تقنینی در هر کشور است. بنابراین مقام قانونگذاری وظیفه مهمی در زدودن وصف مجرمانه دارد. اگر قانونگذار در قانون در صدد زدودن وصف مجرمانه برآید، اقدام مؤثری در کاهش جرم و مجرم انجام داده است.

متأسفانه در کشور ما، امروزه اقدامات قانونگذاران در جهت هرچه بیشتر کردن وصف مجرمانه است، این مهم در مقایسه قوانین سال ۱۳۷۰ با قوانین ۱۳۷۵ مشخص می شود. جانشین کردن اقدامات تأمینی به جای بسیاری از مجازاتهای سخت نیز (کیفرزدایی) اقدام مؤثری در کاهش جرم است که قانونگذار این امر مهم را نیز نباید نادیده بگیرد. شورای اروپا کوششهای زیادی در جهت جرم زدایی، در قالب تعیین موارد ممکن و نیز نظم بخشیدن به اشکال آن، کرده است. سهم شورای مزبور در جرم زدایی عبارت است از مقابله و مقایسه جرم زدایی عملی (مثلاً قضایی) و جرم زدایی قانونی جرم زدایی عملی شامل عملکرد مراجع یا اشخاصی می شود که مأمور اجرای حقوق کیفری هستند. برای مثال، شخص ذینفع از افشای عمل ارتكابی به پلیس خودداری می ورزد. پلیس از مداخله در بعضی موارد صرف نظر می نماید یا پرونده را به نظامهای اجتماعی دیگر محول می نماید. دادسرا ادامه دادرسی را متوقف می کند (این موضوع در نظامهایی که مبتنی بر «مفید بودن تعقیب کیفری» است، ممکن می باشد)، و یا بالاخره قاضی به تحمیل مجازات نمادی اکتفا می کند.

نتیجه گیری

به نظر اینجانب پیشگیری از وقوع جرایم قبل از درمان می تواند مؤثرترین راه برای مبارزه با جرایم و کاهش آن در جامعه باشد. در واقع، در دنیای فعلی با توجه به امکانات و دستاوردهای ارائه شده از سوی دولت باید سعی نهادهای مختلف اعم از دادگستری، دفاتر مشاوره و روانشناسی و... مبنی بر پیشگیری از وقوع جرم در جامعه باشد، یعنی هرکدام از نهادها اعم از خانواده، مدرسه، جامعه و دوستان باید تلاششان بر این باشد تا با ارائه راهکارهای مناسب به علاج واقعه قبل از وقوع پردازند چرا که همواره به پیگیری قبل از درمان تأکید بیشتری شده است. نکته دیگر قابل عرض این می باشد که در پیشگیری از جرایم، عوامل مختلفی نقش دارند که هیچکدام از این عوامل به تنهایی نمی تواند باعث کاهش جرایم گردد و همه اینها در طول هم تأثیر بسزایی در کاهش جرایم دارند. البته به نظر اینجانب مهمترین آنها خانواده می باشد چرا که خانواده بعنوان اجتماع اولیه نقش بسزایی در ایجاد ارزشها، هنجارها، اندیشه ها، بایدها و نبایدها در مورد فرزندان دارد و در واقع اگر بخواهیم بین انسان و قوانین جامعه تعادل برقرار شود باید از خانه و خانواده که اولین بستر حیات انسانی است آغاز نماییم و برای اینکه شهروندان خوبی داشته باشیم باید خانواده ای سالم داشته باشیم و سعی بر این باشد که روابط افراد در خانواده ها از لحاظ عاطفی بالا باشد. هیچ جامعه ای نمی تواند به سلامت دست پیدا کند اگر از خانواده های ناسالم رنج ببرد. باید سعی گردد از آسیب هایی که ممکن است بر پیکر خانواده لطمه بزند جلوگیری شود. مثلاً دور بودن والدین به سبب مشکلات و گرفتاریهای شغلی از فرزندان که باید در این زمینه سعی کرد برنامه ریزی شود تا والدین بتوانند اوقاتی را با فرزندان خویش سپری نمایند و به گفتگو و مشاوره که مهمترین میراث فرهنگی است پردازند. و همچنین سعی شود کیفیت روابط خانواده را از طریق بالا بردن مرزهای عاطفی و محبت موجبات

پرورش کودکان را فراهم کرد. لازم به ذکر می باشد در واقع پیشگیری از جرایم موجب می شود که به همان نسبت از آمار جرایم و مجرمان در جامعه و به تبع آن پرونده های محاکم کاسته شود و حجم کار در مراجع قضایی کمتر گردد و اطلاع دادرسی نیز از بین رود و منجر به روند بهبود دادرسی گردد و در صورت ارتکاب و افزایش جرایم موجب می شود وقتی که باید صرف توسعه و سازندگی شود، صرف مقابله با بزهکاری گردد و این لطمه زیادی به مملکت خواهد زد. در واقع، پیشگیری از جرایم موجب می شود از جمعیت زندانها کم شده و موجب تقویت دستگاه قضایی و ایجاد امنیت در جامعه خواهد گردید. در واقع تحقق بخشیدن به کاهش جرم بستگی به ایجاد شرایط و زمینه های اصلاح و تربیتی دارد و عوامل مختلف از قبیل جنس، سن، شخصیت، اضطراب، اختلالات روانی و زبان همه عواملی هستند که باید رابطه آنها را با درمان و اصلاح و تربیت مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد.

منابع و مآخذ

- ۱- دکتر تاج زمان دانش، جرم چیست؟ مجرم کیست؟ سال ۱۳۶۹. انتشارات کیهان.
- ۲- یو کیشی نظریه تمدن ترجمه دکتر چنگیز پهلوان.
- ۳- ریموند گسن جرم شناسی نظری، ترجمه دکتر مهدی کی نیا. سال ۱۳۷۴. انتشارات مجمع علمی، فرهنگی مجد.
- ۴- کریستین لارژ سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی. سال ۱۳۷۵. نشر یلدا.
- ۵- پیکارژر جرم شناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی. سال ۱۳۷۰- مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۶- ریموند گسن بحران سیاست جنایی کشورهای غربی، ترجمه علی حسین نجفی ابر آبادی.
- ۷- محمد علی ابهری، اسلام و دفاع اجتماعی.
- ۸- ریموند گسن جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا. سال ۱۳۷۰. () ناشر مهدی کی نیا.
- ۹- مقدمه ای بر جرم شناسی، ترجمه مهدی کی نیا. سال ۱۳۷۰- مرکز انتشارات مهدی کی نیا.
- ۱۰- تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی.
- ۱۱- دکتر مهدی کی نیا، مبانی جرم شناسی. سال ۱۳۷۶- انتشارات دانشگاه تهران.

۱۲- دکتر محمدرضا بهادران، بازگشت به اصول فرهنگی برای مقابله با شیوع جرم.

۱۳- دان ای آندرس، پیش بینی و پیشگیری از تکرار جرم ترجمه دکتر محمد آدینه زاده.

مجلات